



آمریکا و سیاست مهار چین در غرب آسیا مصطفی پاک باطن^۱، عباسعلی طالبی^۲

۳۰

چکیده

استراتژی شبکه‌سازی قدرت چین در غرب آسیا، سیاست چرخش آمریکا به سمت شرق آسیا را با اختلال روبه‌رو ساخته است و بار دیگر غرب آسیا به عرصه رقابت و تقابل دو قدرت بزرگ جهانی مبدل گشته است. در این چارچوب، مهار چین در غرب آسیا به یک اولویت راهبردی در راهبردهای کلان ایالات متحده تبدیل گشته و درصدد است تا در مقابل حضور چین در غرب آسیا، نقش‌آفرینی جدیدی داشته باشد. هدف این مقاله تبیین سیاست آمریکا برای مهار چین در غرب آسیا است و با روش تحلیلی-تبیینی به این سؤال پاسخ داده که آمریکا چگونه درصدد مهار نفوذ چین در منطقه غرب آسیا است؟ در پاسخ فرض این است که آمریکا از طریق سازمان‌دهی اقتصادی، سازمان‌دهی ائتلاف‌های جدید، مقابله گفتمانی و مشارکت با متحدان راهبرد چندوجهی را برای مهار پکن در غرب آسیا برگزیده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که علی‌رغم سیاست چرخش به شرق آسیا، منطقه غرب آسیا برای آمریکا از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و این کشور در آینده کوتاه‌مدت و میان‌مدت تمرکز ویژه‌ای در ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی و گفتمانی جهت مهار چین در منطقه غرب آسیا دارد.

کلیدواژه‌ها: آمریکا، چین، مهار، غرب آسیا، نفوذ.

دوره ۸، شماره ۳، پیاپی ۳۰

پاییز ۱۴۰۳

مقاله علمی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۳/۰۴/۱۶

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۳/۰۸/۱۶

صص: ۶۲-۴۳

شابا چاپی: ۲۵۸۸-۴۵۶۵

الکترونیکی: ۲۷۱۷-۰۳۸۱



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، واحد سوادکوه، دانشگاه آزاد اسلامی، سوادکوه.

abozar.falsafi@gmail.com

(نویسنده مسئول)

۲. استادیار گروه علوم سیاسی، و روابط بین‌الملل واحد سوادکوه، دانشگاه آزاد اسلامی، سوادکوه، ایران.

مقدمه

رقابت بین ایالات متحده و چین در غرب آسیا پیامدهای مهمی بر سیاست منطقه‌ای و جهانی دارد. این منطقه به دلیل منابع طبیعی و موقعیت راهبردی آن بسیار حیاتی است و آن را به منبع اصلی انرژی برای هر دو کشور تبدیل کرده است. دو کشور دارای منافع اقتصادی، راهبردی و ژئوپلیتیکی متعددی در غرب آسیا، از جمله دسترسی به منابع نفت و گاز، تجارت و اتحاد با بازیگران کلیدی هستند. در حالی که ایالات متحده بیشتر بر همکاری امنیتی و دفاعی متمرکز است، تعامل چین در درجه اول بر اساس تمایل این کشور برای تأمین منافع اقتصادی است. با این حال، افزایش حضور نظامی چین در منطقه باعث نگرانی برخی از سیاست‌گذاران آمریکایی شده است. پکن در مورد محدودیت‌های امنیتی خود محتاط است و از مداخله‌گرایی نظامی اجتناب می‌کند. ایالات متحده با کشورهایمانند اسرائیل، عربستان سعودی و امارات متحده عربی ائتلاف نزدیک دارد، در حالی که چین روابط نزدیک‌تری با همه این کشورها از جمله ایران ایجاد کرده است.

ظهور و نفوذ چین به عنوان یک قدرت بزرگ در آسیا و جهان با مصادیقی همچون عملیاتی کردن طرح «یک کمربند و یک راه»، تبدیل شدن به بزرگ‌ترین شریک تجاری و سرمایه‌گذاری کشورهای جهان در مناطق مختلف، پذیرش «جاده ابریشم رقمی» و پذیرش «جاده ابریشم سلامت» چین در جهان و «توافقتنامه مشارکت راهبردی» در اشکال مختلف موجب گردیده تا حساسیت ایالات متحده نسبت به نفوذ چین افزایش یابد و این کشور ضمن ابراز نگرانی خود از نفوذ پکن به دنبال راهبردهای برای مهار آن برآید (Simsek, 2022:123). در این راستا، افزایش مناسبات چین به کشورهای غرب آسیا در سال‌های اخیر موجی از نگرانی را در میان مقامات آمریکایی برانگیخته است و به این برداشت در آمریکا دامن می‌زند که چین در حال تقویت قدرت اقتصادی و نظامی خود در جهان است و غرب آسیا در قلب سیاست‌های ضد هژمونی آمریکا به یک اولویت تبدیل شده است. چنین پیش‌زمینه و تفاسیری از سوی دولت آمریکا مسئله مقابله با چین در غرب آسیا و مهار این کشور را به یک مسئله اصلی تبدیل نموده است. مقاله حاضر تلاشی است تا سیاست‌ها و راهبردهای جدید آمریکا در غرب آسیا را که در راستای مهار چین طرح‌ریزی و تدوین گشته است آشکارسازی نماید. با روش تحلیلی-تبیینی به این سؤال پاسخ داده شده است که آمریکا چگونه درصدد مهار نفوذ چین در منطقه غرب آسیا است؟ در پاسخ فرض بر این است که آمریکا از طریق سازمان‌دهی اقتصادی،

سازمان‌دهی ائتلاف‌های جدید، مقابله گفتمانی و مشارکت با متحدان راهبرد چندوجهی را برای مهار پکن در غرب آسیا برگزیده است. در ادامه ابتدا به تمهیدات نظری پرداخته، سپس اهمیت غرب آسیا برای آمریکا و چین بررسی شده و در بخش اصلی قابلیت‌ها و اقدامات آمریکا برای مهار نفوذ چین در غرب آسیا تبیین شده است.

۱- چارچوب نظری: سیاست مهار

راهبرد مهار در تاریخ روابط بین‌الملل از دکترین مونرو (۱۸۲۳) و مقابله آمریکا با حضور کشورهای غربی در نیمکره غربی، در نیمه دوم قرن نوزدهم از سوی بیسمارک صدراعظم آلمان در رابطه با دخالت فرانسه در امور همسایگان، در اوایل قرن بیستم از سوی اروپا علیه صدور انقلاب کمونیست‌ها، دهه ۱۹۳۰ از سوی دولت‌های اروپایی (متفقین) برای مهار آلمان نازی به کار گرفته شد (Kennan, 1946: 567). نمود اصلی این سیاست از سوی آمریکا پس از جنگ جهانی دوم علیه نفوذ کمونیست در جهان به کار بسته شد. مهار کمونیست با مکانیسم‌های متعددی شامل جنگ نیابتی (جنگ کره، جنگ ویتنام)، حمایت‌های اقتصادی (طرح مارشال)، حمایت سیاسی (حمایت از ایران و عربستان)، ایجاد ائتلاف‌ها و اتحادها مانند ناتو، سیتو و سنتو نمود عینی پیدا کرد (Powell, 2017: 8). از نظر جرج کنان، سیاست مهار باید با فشار بی‌امان برای رسیدن به اهداف همراه بوده، بلندمدت، صبورانه و متصلب است. او طریق سیاست مهار از طریق اهرم سیاسی و اقتصادی تأکید داشت و آن را بخشی از دیپلماسی می‌دانست (Kennan, 1946: 577). اکنون دولت‌ها به‌ویژه آمریکا در کنار این ابزارها از دیگر ابزارهای نظامی، جاسوسی، خرابکارانه، اطلاعاتی و تبلیغاتی نیز استفاده می‌کند (نوری، ۱۳۹۸: ۲۵۲).

دولت آمریکا اکنون سیاست مهار چین را در پیش گرفته است. این کشور از طریق پیشبرد و شکل دادن به ابتکارات چندجانبه و بازسازی ائتلاف‌های دوجانبه، درصدد ایجاد یک شبکه ائتلافی امنیتی و اقتصادی برای مهار قدرت چین در حوزه اقیانوس هند-آرام به‌عنوان مهم‌ترین حوزه تقابل دو کشور در عرصه جهانی است. آمریکا در چارچوب این راهبرد برای تقویت همکاری با متحدان تلاش می‌کند و از توانایی‌های آن‌ها برای مقابله با چالش‌های مشترک منطقه‌ای و جهانی استفاده می‌نماید (کشوریان آزاد و میر ترابی، ۱۴۰۱: ۳۰-۳۳). اکنون ایالات متحده آمریکا درصدد این است تا سیاست

مهار چین را نیز در منطقه غرب آسیا پیاده کند. ایالات متحده چین را تهدیدی برای هژمونی جهانی خود و غیره می‌داند و بر یک سیاست مهار تکیه کرده است (Teixeira, 2019: 166). از پایان جنگ جهانی دوم، ایالات متحده اتحادهای استراتژیک خود را با ژاپن، کره جنوبی، فیلیپین و تایوان توسعه داده و حفظ کرده است و از طریق تقویت استراتژی بازدارندگی خود برای مهار چین تلاش کرده است (Solsman, 2021: 202). دولت‌های مختلف آمریکا به‌طور معمول در مواجهه با چین از گزینه‌های متعدد موجود در جعبه‌ابزار سیاست خارجی ایالات متحده از جمله اقتصادی، سیاسی، گفت‌وگویی، تبلیغاتی و... استفاده کرده‌اند.

۲- اهمیت غرب آسیا برای آمریکا و چین

غرب آسیا به دلیل اهمیت اقتصادی، راهبردی و ژئوپلیتیکی، منطقه‌ای حیاتی برای ایالات متحده و چین است. برای ایالات متحده، این منطقه برای استراتژی جهانی آن ضروری است، زیرا این منطقه یک عمده تولیدکننده انرژی و نقطه ترانزیت تجارت جهانی است. ایالات متحده چندین منافع راهبردی، از جمله حفظ ثبات منطقه، حفاظت از متحدان و تضمین دسترسی به منابع انرژی در منطقه دارد. برای دستیابی به این اهداف، ایالات متحده در چندین جبهه منطقه‌ای درگیر بوده و دارای منافع سیاسی و امنیتی قابل توجهی است. ایالات متحده همچنین چندین پایگاه نظامی کلیدی در منطقه دارد که برای نمایش قدرت نظامی و حفاظت از منافع آن حیاتی هستند (Mandelbaum, 2019: 117). به‌طور مشابه، چین تعامل خود را با غرب آسیا به‌ویژه در زمینه تجارت و سرمایه‌گذاری افزایش داده است. این منطقه یکی از اجزای کلیدی ابتکار کمربند و جاده چین است که به دنبال تقویت اتصال و همکاری اقتصادی در سراسر آسیا و فراتر از آن است. برای چین، غرب آسیا برای امنیت انرژی حیاتی است، زیرا تأمین‌کننده اصلی نفت و گاز است. چین برای اطمینان از برآورده شدن نیازهای انرژی خود، سرمایه‌گذاری زیادی در بخش انرژی منطقه سرمایه‌گذاری انجام داده است. علاوه بر این، غرب آسیا از نظر ژئوپلیتیکی نیز برای چین اهمیت زیادی دارد، زیرا میزبان چندین شریک راهبردی کلیدی است که برای جاه‌طلبی‌های منطقه‌ای و جهانی آن حیاتی هستند. چین به‌طور فزاینده‌ای درگیر برخی از مناقشات منطقه‌ای، از جمله جنگ داخلی سوریه و درگیری‌های

جاری در یمن بوده است که بخشی از آن به دلیل تمایل این کشور برای محافظت از سرمایه‌گذاری‌های خود و حفظ ثبات منطقه است (Nagy, 2023: 1-2). افزایش استفاده از نیروی نظامی در منطقه منا در قالب مأموریت‌های متعدد، افزایش نفوذ نظامی از طریق رزمایش‌های دوجانبه و چندجانبه، تجارت تسلیحات با دولت‌های منطقه، حضور پیمانکاران امنیتی و شرکت‌های خصوصی امنیتی برای محافظت از پروژه‌های ابتکار «یک کمربند و یک راه»، توسعه نظامی دریایی، توسعه پایگاه‌های لجستیکی، مبارزه با تروریسم و دزدان دریایی و... زمینه‌های حضور چین در منطقه است (Benabdallah & et al 2021: 17).

۳- اقدامات آمریکا برای مهار نفوذ چین در غرب آسیا

خیزش چین به‌عنوان یک قدرت بزرگ اقتصادی، سلسله‌مراتب قدرت در سطح جهانی را با چالش مواجه ساخته است که چنین رخدادی می‌تواند حامل فرصت‌ها و چالش‌های متعددی برای کشورها و مناطق مختلف جهان باشد. در کنار قدرت اقتصادی فزاینده، چین در سال‌های اخیر به‌طور چشمگیری به سمت ارتقا و گسترش قابلیت‌های نظامی خود در محیط پیرامونی و فرا پیرامونی نیز مبادرت ورزیده است که نگرانی‌های امنیتی فراوانی را برای آینده هژمونی آمریکا در جهان رقم‌زده است. لذا چگونگی مقابله با این قدرت چالشگر به اولویت راهبردی مقامات آمریکایی در سده بیست و یکم میلادی تبدیل شده است (Alenezi, 2024: 106). همچنین افزایش مناسبات اقتصادی و سرمایه‌گذاری‌های وافر با کشورهای حاشیه خلیج فارس و غرب آسیا به‌عنوان حوزه نفوذ سنتی آمریکا و منبع اصلی تأمین انرژی جهان به‌ویژه پس از ایفای نقش میانجی‌گیری چین در میانه تنش‌های ایران و عربستان، حساسیت‌ها و نگرانی‌ها را نسبت به اهداف و نیت چین در این پهنه سرزمینی برای سران آمریکایی دوچندان نموده است و امروزه مسئله مهار چین در غرب آسیا به یک سیاست کلی و بلندمدت برای مقامات آمریکایی مبدل گشته است که در ذیل به مهم‌ترین راهبردهای آمریکا در جهت مهار نفوذ چین در غرب آسیا اشاره می‌شود.

۱-۳- بازگشت قدرتمند به منطقه

همگام با قدرت‌گیری چین به‌عنوان یک قدرت چالشگر برای منافع آمریکا در سطح جهان، آسیای شرقی در راستای سیاست‌های خفگی ژئوپلیتیکی چین به محور اصلی راهبردهای آمریکا برای مهار

چین در محیط پیرامونی این کشور تبدیل گشته بود. لذا آمریکایی‌ها فرایند خروج تدریجی از غرب آسیا و تمرکز بر شرق آسیا را در دستور کار ویژه قرار دادند و به تبع آن نقش پلیسی آمریکا و مداخلات گسترده در روندهای منطقه رو به کاهش گذاشت. سیاستی که از دوران اوباما تدوین گشت و در دوران ترامپ و بایدن در قامتی عینی و گسترده تر عملیاتی گشت درواقع سیاست کنترل از دور با استفاده از ظرفیت‌های اطلاعاتی و لجستیکی و همچنین سپردن امور منطقه به متحدان آمریکا درکترین جدید آمریکا برای تمرکززدایی از غرب آسیا و متمرکز شدن بر شرق آسیا بود؛ اما هم‌زمان با چرخش آمریکا به شرق آسیا، چینی‌ها در ابتکار جدید برای ایجاد فضای تنفسی جدید و بسط قدرت به مناطق فرا پیرامونی، حوزه‌های سنتی نفوذ آمریکا را در تیرس قرار دادند و مبادلات و مناسبات با کشورهای غرب آسیا و به‌ویژه دولت‌های حاشیه خلیج فارس به‌صورت بی‌سابقه‌ای افزایش پیدا نمود تا این کشور در پرتو خلأ قدرت ایجادشده از سوی آمریکا به یک بازیگر کلیدی در منطقه تبدیل شود و عملاً آمریکایی‌ها منافع خویش را در منطقه در خطر ببیند.

اینجا بود که استراتژی بازگشت به منطقه برای پوشش خلأ امنیتی و نظامی پدید آمده در دستور کار قرار گرفت و به‌عنوان اولین راهبرد ضد چینی در غرب آسیا قابل طرح است. در این راستا، گزارش شده است که ایالات متحده تمرینات خود را برای آماده‌سازی جهت استقرار پرسنل نظامی روی نفت‌کش‌ها آغاز کرده است. ایالات متحده همچنین بیش از ۳۰۰۰ نیروی تفنگدار دریایی را به منطقه خلیج فارس اعزام کرده است. در جولای ۲۰۲۳، ایالات متحده جت‌های جنگنده مدرن F-35 و F-16 و همچنین کشتی‌های جنگی اضافی را برای کمک به نظارت و اسکورت تانک‌های عبوری به منطقه فرستاد (Musthafa, 2023: 4).

این حضور نظامی اگرچه در نگاه اول از سوی بسیاری از متخصصین و مقامات کشورهای منطقه در راستای مقابله با ایران در منطقه مورد تبیین و تفسیر قرار گرفت؛ اما در اصل بر مهار چین در منطقه تمرکز دارد. آمریکایی‌ها با بازگشت برخی از نیروهای خویش در حال مخابره این پیام به عربستان و متحدان منطقه‌ای هستند که در مرحله اول اجازه نخواهند داد که دولت‌های خلیج فارس به بستر حضور نظامی چین در منطقه تبدیل شدند. درواقع آمریکا با نمایش قدرت می‌خواهد نشان دهد که امپراتوری همچنان زنده است و هیچ تهدیدی بی‌پاسخ نخواهد ماند (Majidi, 2023: 14).

سوی دیگر آمریکا در تلاش است تا بار دیگر اعتماد متحدان منطقه‌ای خویش را جلب نماید و نشان دهد که این کشور حاضر به ترک منطقه نخواهد بود.

در سویه دیگر حضور قدرتمند آمریکا در خلیج فارس و تنگه هرمز برای نظارت بر حمل و نقل انرژی جهت جلوگیری از قاچاق انرژی به چین نیز قابل بحث است. با توجه به تحریم‌های آمریکا علیه صادرات نفتی ایران این حضور می‌تواند گویای این امر باشد که آمریکا می‌خواهد در صدور نفت ایران به چین ممانعت و خلل به وجود آورد تا بتواند هر دو رقیب منطقه‌ای و جهانی خویش را متضرر نماید.

۲-۳- مسیرهای اقتصادی تلاش آمریکا برای مقابله با چین در غرب آسیا

کمک‌های اقتصادی یکی از مزیت‌های ایالات متحده برای مقابله بانفوذ چین در منطقه است. براساس گزارش مؤسسه رند آمریکا به عنوان عضوی از کمیته کمک به توسعه سازمان همکاری و توسعه اقتصادی در تلاش برای همکاری اقتصادی با کشورهای غرب آسیا است. در سال ۲۰۱۸، کشورهای عضو کمیته کمک به توسعه ۱۳ میلیارد دلار کمک‌های دوجانبه رسمی را برای کشورهای غرب آسیا فراهم کردند که ۲۸٪ آن را آمریکا مهیا کرد. آمریکا با همکاری با کشورهای هم‌فکر در کمیته کمک به توسعه سازمان همکاری و توسعه اقتصادی و شرکای اهداکننده کمک به منطقه همانند ترکیه، عربستان سعودی، امارت و سایر نهادهای چندجانبه درصدد این است تا فراتر از چین و روسیه پیوند خود را با منطقه تحکیم بخشد. تلاش برای ادغام بیشتر تجارت از طریق تجارت آزاد دوجانبه و منطقه‌ای، راهبرد دیگر تعمیق روابط اقتصادی برای مقابله با چین است. همچنین ایالات متحده در پایان سال ۲۰۲۰ توافقنامه تجاری دوجانبه با پنج کشور منطقه از جمله: بحرین، اسرائیل، اردن، مراکش و عمان داشته است (Kaye, 2021).

کمک اقتصادی، ایجاد تسهیلات از طریق نهادهای چندجانبه همانند جی ۲۰، کار با شرکا و نهادهای منطقه‌ای همانند شورای همکاری خلیج فارس، پشتیبانی فنی و تحلیلی صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی از وام‌گیرندگان و استقرار تیم‌های کوچکی از کارشناسان مالی در کشورهای مهم از جمله راهبردهای آمریکا در دولت بایدن است که از سوی مؤسسه «مرکز امنیت نوین آمریکا» به این کشور پیشنهاد شده است (Stephen. 2021: 22). علاوه بر این، آمریکا به شدت نگران سرمایه‌گذاری چین در غرب آسیا است، به عنوان مثال؛ حضور چین در اسرائیل در قالب طرح راه‌اندازی

آب شیرین کن، تفاهم نامه استفاده از فناوری نسل پنجم چین و ساخت دو بندر حیفا و شهر ساحلی اشدود در نزدیکی تل آویو محل ناوگان ششم دریایی ایالات متحده، به شدت آمریکا را نگران کرده است. آمریکا در دولت ترامپ و سپس بایدن به دنبال ایجاد سازوکارهای برای نظارت بر عملکرد سرمایه گذاری خارجی به ویژه چین در اسرائیل است و در این چارچوب هیئت مشورتی برای نظارت بر سرمایه گذاری خارجی بین طرفین شکل گرفته است؛ بنابراین مشخص است که آمریکا به دنبال این است تا با فعالیت های اقتصادی بیشتر مانع از نفوذ چین در غرب آسیا شود و دولت بایدن برای این امر مصمم است.

۳-۳- مسیرهای فناوری تقابل با چین در غرب آسیا

بحث جدی بین شرکت های فناوری چین و ایالات متحده بر روی ساخت شبکه جی ۵ وجود دارد و شراکت چین با کشورهای غرب آسیا در زمینه فناوری اینترنت نسل پنجم (جی ۵) زمینه نگران آمریکا فراهم کرده است. در دولت ترامپ واشنگتن «ابتکار شبکه پاک» را آغاز کرد که بیش از ۵۳ متحد آمریکا به قطع فناوری چینی به ویژه هواوی و ZTE تعهد دادند. واشنگتن بیرون از اتحادیه اروپا، اسرائیل را برای همکاری علیه فناوری چین در این حوزه متعهد کرد و برای مقابله بانفوذ فناوری چین با کشورهای عربی خلیج فارس وارد همکاری شد. آمریکا بر اتحادیه های منطقه ای خلیج فارس فشار آورد که هواوی را از شبکه ی جی ۵ منع کند و از این طریق نفوذ فناوری چین به متحدان خود را مسدود کند. آمریکا در صدد است در این حوزه طرح های همکاری خود را برای مقابله با چین دوباره احیا کند و رویکرد دولت ترامپ در این حوزه به دولت بایدن انتقال داده شده است. باید در نظر داشت که دولت های عربی خلیج فارس از اینکه به عنوان یکی از ارکان اتحادیه های ایالات متحده برای مقابله با چین باشد، دچار شک و تردید هستند.

این در حالی است که کشورهای حاشیه خلیج فارس ۲۸٪ از واردات نفت چین را تأمین می کنند و اقتصاد آن ها به چین وابسته است و آمریکا در ژانویه ۲۰۲۰ حدود ۴۰ هزار سرباز در خلیج فارس داشت و امنیت آن ها به آمریکا وابسته که باید بین آن ها دست به انتخاب بزنند و یا راهبرد سوم و مستقلى را در پیش گیرند (Soliman, 2021) آمریکا در حال فشار آوردن به کشورهای منطقه برای جلوگیری از نفوذ تکنولوژی چین است و هم اکنون کفه ترازو به نفع چین است.

۴-۳- سازمان‌دهی ائتلاف جدید

۴-۳-۱- صلح ابراهام و چین

در عصر دونالد ترامپ و سپاس جو بایدن، نقش ایالات متحده آمریکا در منطقه خاورمیانه کاهش پیدا کرد. در این دوره آمریکا تلاش کرد تا از طریق رژیم‌سازی جدید زمینه مهار رقبا را فراهم کند. وزارت دفاع آمریکا در گزارش سالانه خود تحت عنوان «تحولات نظامی-امنیتی مرتبط با جمهوری خلق چین» در سال ۲۰۲۰، نگرانی خود را افزایش حضور نظامی چین در خاورمیانه و تأسیس پایگاه عملیاتی و لجستیکی برای ترکیب و حمایت از پایگاه جیبوتی و شاید تأسیس پایگاه در امارت ابراز کرد (Annual Report to Congress, 2020). دانا استرول، معاون وزیر دفاع در امور خاورمیانه در وینار در مه ۲۰۲۱، حضور نظامی چین، همکاری شرکای این کشور در بخش اقتصادی و سایبری با چین را خطرناک توصیف کرد و در ادامه وال‌استریت ژورنال دستیابی چین به تکنولوژی F-35 از طریق امارت را عامل نگرانی آمریکا دانست (Burton, 2020).

ژنرال مک کنزی فرمانده ستکام در سفر ماه می ۲۰۲۱، نیز از اتحاد روسیه، چین و ایران را در خاورمیانه ابراز نگرانی کرد و افزود، «من فکر می‌کنم ما هنوز هم در اینجا حضور خواهیم داشت و این موضع دولت ایالات متحده است». همچنین آمریکا برای بازپس‌گیری سهم بازار چین که فروش تسلیحات خود را به عربستان سعودی، امارت، عراق و اردن افزایش داده، فروش هواپیمای بدون سرنشین با ارزش ۲٫۹ میلیارد دلار را با امارات در سال ۲۰۲۰ در دستور کار قرار داد. در دوره بایدن آمریکا از امارات خواسته است که همکاری نظامی و زمینه دسترسی چین به منطقه را محدود کند، علی‌رغم تقابل و رقابت چین آمریکا در مسائل منطقه، اما هر دو بر روی مسئله «ایجاد ثبات» در منطقه توافق دارند (Stephen. 2021: 23).

براساس برخی گزارش‌های اندیشکده‌های آمریکایی، در دوره بایدن به دلیل کاهش اهمیت خاورمیانه برای آمریکا این کشور از فعالیت‌های امنیتی خود در منطقه می‌کاهد و برخی از نیروهای نظامی و امنیتی را به هند-پاسیفیک می‌فرستد، اما آنچه مشخص است آمریکا اجازه نخواهد داد که چین و روسیه معادله امنیتی بدیلی را به ضرر آمریکا در خاورمیانه پیاده کنند. آمریکا در دوره بایدن به دنبال ائتلاف‌های بدیل و ابتکارت امنیتی به‌عنوان جایگزین برای راهبرد چتر حمایتی خود است. ابتکار «صلح ابراهیم» میان چندین کشور عربی با اسرائیل از این دسته است و جایگاه آمریکا در مقابل

هر قدرت دیگری را تثبیت خواهد کرد. وزیر خارجه پیشین آمریکا مایک پمپئو در سفر ماه می ۲۰۲۰ به تل‌آویو به مقامات اسرائیل هشدار داد که رابطه با چین بر روابط راهبردی آن‌ها اثر می‌گذارد و فشار زیادی برای حذف شرکت‌های چینی در طرح احداث بزرگ‌ترین آب‌شیرین‌کن وارد کرد. امکان چنین تهدید و فعالیت‌های در دوره بایدن برای مهار چین در بقیه کشورها وجود دارد.

۲-۴-۳- کواد غرب آسیا و مهار چین

در ادامه کواد منطقه‌ی هند-اقیانوس آرام که شامل کشورهای آمریکا، هند، ژاپن و استرالیا است، ائتلاف دیگری بین کشورهای آمریکا، هند، رژیم صهیونیستی و امارات متحده عربی پی‌ریزی شده که از آن تحت عنوان کواد غرب آسیا و یا «کواد ۲» و یا «کواد خاورمیانه» نام برده شده است. کواد جدید با تمرکز بر غرب آسیا و اقیانوس هند غربی شکل گرفته و در ادامه سیاست ائتلاف‌سازی و راهبرد «چندجانبه‌گرایی خرد» دولت بایدن معنا پیدا می‌کند. پس از عادی‌سازی روابط رژیم صهیونیستی و اعراب تحت عنوان «صلح ابراهیم»، زمزمه شکل‌گیری پیمان «هندی-ابراهیمی» با حضور هند در پیمان ابراهیم حکایت داشت. محمد سلمان در گزارش مرکز مطالعات خاورمیانه از شکل گرفتن ائتلاف «هندی-ابراهیمی» صحبت کرد که در آینده می‌تواند نظم منطقه‌ی جدید را ایجاد کند (Soliman, 2021). درواقع ابتدا هند تلاش‌های خود را برای همکاری با «توافقنامه ابراهیم» آغاز کرد و سپس ایالات متحده آن را در قالب چهارگانه مطرح کرد. پس از توافقنامه ابراهیم، هند همکاری دوجانبه را در ابعاد نظامی و اقتصادی با دو کشور امارت و رژیم صهیونیستی آغاز کرد؛ به‌عنوان نمونه ژنرال مانوج ناراونی فرمانده ارتش هند برای اولین بار در ۹ دسامبر ۲۰۲۰ به عربستان و امارت سفر کرد، تقویت رابطه دفاعی و فروش تسلیحات، رزمایش‌های نظامی منظم، تولیدات مشترک تجهیزات دفاعی محورهای سفر وی توسط ارتش هند اعلام شد (Thehindu.com, 2020).

همچنین در این چارچوب رابطه هند و رژیم صهیونیستی گسترش یافت، در سال ۲۰۱۸ نتانیاهو با هیئت ۱۳۰ نفر و با اهداف امنیتی، نظامی، فناوری و کشاورزی به هند سفر کرد که به امضای ۹ تفاهم‌نامه انجامید. پاون کاپور سفیر هند در امارت در ژوئن ۲۰۲۱ توافقات موسوم به صلح ابراهیم

- 1-
- 2-
- 3-
- 4-

Quad 2
Middle-Eastern Quad
Western Indian Ocean
General Mukund Naravane

را منجر به روابط بین دهلی نو، تل آویو و دبی دانست و اظهار کرد در کنار هم باید از طرح‌های مشترک حمایت کرد. ایلان استاروستا^۱ رئیس مأموریت رژیم صهیونیستی در بنیاد بین‌المللی اتاق تجاری اسرائیل-هند^۲ در آوریل ۲۰۲۱، تجارت سه‌جانبه هند-امارات-رژیم صهیونیستی باید تا سال ۲۰۳۰ به ۱۱۰ میلیارد دلار افزایش یابد. اس. جایشانکار^۳ وزیر خارجه هند در سال ۲۰۲۱، هم‌زمان با حضور نیروی دریای هند^۴ در رزمایش «پرچم آبی»^۵ رژیم صهیونیستی به این کشور سفر کرد. در این رزمایش بخشی از ناوگان نیروی هوایی ارتش هند از مصر وارد پایگاه نیروی هوایی عودا^۶ رژیم صهیونیستی شد، یعنی مصر نیز در رزمایش شرکت داشت (Taneja, 2021).

این سلسله فعالیت‌های هند-امارت-رژیم صهیونیستی منجر به دامنه همکاری و ائتلاف گسترده‌تر با حضور آمریکا تحت عنوان «کواد ۲» شد که جهت عملیاتی کردن این ائتلاف، در ۱۸ اکتبر ۲۰۲۱، آنتونی بلینکن، وزیر امور خارجه ایالات متحده در واشنگتن دی‌سی میزبان وزرای امور خارجه سه کشور، هند، امارت متحده عربی و رژیم صهیونیستی بود، در این نشست مجازی چهار کشور توافق کردند که یک مجمع اقتصادی بین‌المللی جدید را برای استفاده از مجموعه‌ای منحصربه‌فرد از قابلیت‌ها، دانش و تجربه در جهت پیشبرد روابط اقتصادی و سیاسی اعضا تشکیل دهند (Siddiq, 2021).

براساس گفتگوهای ائتلاف «کواد ۲» انگیزه اصلی از تشکیل این ائتلاف تمرکز بر مشارکت اقتصادی و توسعه‌ای، مقابله با تغییرات اقلیمی، امنیت دریانوردی و همکاری در زمینه انرژی است. همه کشورهای عضو کواد ۱ (کواد هند-اقیانوس آرام) با هم در رزمایش‌های سالانه مالابار شرکت می‌کنند. در اکتبر ۲۰۲۱ کشورهای آمریکا و هند در بزرگ‌ترین رزمایش نیروی هوایی اسرائیل تحت نام «پرچم آبی» شرکت کردند و امارات عنوان ناظر در این رزمایش شرکت کرد (Suhashini, 2021). کواد جدید از لحاظ دریایی بر منطقه بین هند، کانال سوئز و آفریقای جنوبی تمرکز دارد که از نظر راهبردی بسیار حیاتی است؛ زیرا گلوگاه دریایی کلیدی باب المندب و کانال سوئز در آن قرار گرفته است. در سال ۲۰۱۸، نزدیک به ۶,۲ میلیون بشکه نفت از باب المندب به سمت آسیا و اروپا عبور می‌کرد. خطوط دریایی در این منطقه، گلوگاه حیاتی شبکه انرژی جهانی و امنیت اقتصادی و

- | | |
|----|---|
| 1- | Ilan Sztulman Starosta |
| 2- | International Federation of Indo-Israel Chambers of Commerce (IFIICC) |
| 3- | S Jaishankar |
| 4- | Indian Air Force (IAF) |
| 5- | Blue Flag |
| 6- | Ovda Air Force Base |

تجاری است. وجود تهدیدات به هم پیوسته مانند دزدی دریایی، قاچاق غیرقانونی مواد مخدر و سلاح و تروریسم اهمیت راهبردی منطقه را افزایش می‌دهد. کشورهای منطقه میزبان پایگاه‌های نظامی قدرت‌های بزرگ از جمله چین، روسیه، ژاپن و فرانسه هستند که آن را به عرصه رقابت قدرت‌های بزرگ تبدیل می‌کند (Gurjar, 2021).

این ائتلاف نشان می‌دهد که چالش چین صرفاً در منطقه هند-اقیانوس آرام نیست، بلکه در منطقه غرب آسیا و آسیای جنوبی هم باید مهار گردد. این ائتلاف بازتابی از این ادراک است که چالش چین فقط یک چالش نظامی نیست، بلکه یک موضوع بسیار گسترده‌تر از جمله جنبه‌های سیاسی و اقتصادی است. چنانچه ناودیپ سینگ سوری ادیلمات هندی اظهار داشت که «نفوذ چین در خاورمیانه به‌ویژه در امارت و رژیم صهیونیستی در حال افزایش است و این یک تهدید مستقیم برای آمریکا و زمینه‌ساز نفوذ اقتصادی و سیاسی چین در خاورمیانه است»؛ بنابراین این گروه چهارجانبه بازتابی از حضور چین در این کشورها است که باید توسط هند و آمریکا مهار گردد (Rajagopalan, 2021:4). آمریکا به دنبال آن است تا در سه جبهه اقتصادی، نظامی و سیاسی جلوی نفوذ چین را گیرد. اتحاد جدید نشان دهنده تمایل واشنگتن برای دور کردن ابوظبی و تل‌آویو از پکن است. ختنی کردن سرمایه‌گذاری چین در امارت و رژیم صهیونیستی از اهداف مشترک چین و آمریکا است، اما اسرائیل مایل است که ترتیبات جدید را نوعی مقابله با ایران تبدیل کند. درواقع ایالات متحده به دنبال این است که بلوک‌های ائتلاف را در مناطق مختلف گسترش دهد. آمریکا در تلاش است تا برای مهار رقبا حلقه‌های ائتلاف‌سازی خود را در مناطق هند-اقیانوس آرام، غرب آسیا و آسیای جنوبی و مدیترانه با هم گره بزند، هند حلقه ارتباطی کواد ۱ در منطقه هند-اقیانوس آرام و کواد ۲ در منطقه غرب آسیا است.

۵-۳- بهره‌گیری از قدرت گفتمانی

قدرت گفتمانی و تبلیغاتی آمریکا دومین مکانیزم ضد چینی آمریکا در منطقه محسوب می‌شود که بخشی از آن ناشی از توانمندی‌های تبلیغاتی و گفتمانی آمریکاست و بعد دیگر آن نیز به ضعف‌های کشور چین در معادلات غرب آسیا بر می‌گردد. یکی از جنبه‌هایی که فرصت بهره‌برداری را برای آمریکا فراهم نموده تأکید گفتمانی بر غیر معتمد بودن چین در معادلات و مبادلات صورت داده با

دولت‌های منطقه است. حمایت‌های چین در سازمان ملل از برخی قطعنامه‌های ضد ایرانی و ضد سوری این دستاویز را برای آمریکا فراهم نمود تا نشان دهد چین در بده بستان‌های منطقه‌ای بیش از آنکه در کنار کشورهای عربی خلیج فارس باشد در خدمت منافع رقبای منطقه‌ای آن‌هاست.

در نمای دیگر حضور نظامی و ارائه چتر امنیتی از سوی آمریکا برای سال‌های متمادی در منطقه و از سوی دیگر راهبرد چینی عدم‌مداخله در امور منطقه با استفاده از ابزارهای سخت‌افزاری قدرت، این فضا را برای آمریکا فراهم کرد تا از نفوذ و حضور سستی خویش در غرب آسیا به‌عنوان یک برگ برنده بهره‌برداری نماید و چین را متهم به عدم پذیرش مسئولیت در امور منطقه کند. درعین حال در کنار آمریکا، کشوری چون روسیه و برخی از کشورهای اروپایی، مایل به مداخله به‌صورت نظامی در اختلافات منطقه‌ای هستند؛ اما عدم دخالت مستقیم و نظامی در امور منطقه‌ای بی‌اعتمادی را در میان کشورهای منطقه نسبت به چین افزایش داد که همچنان کنشگر غیرقابل‌اعتماد است (Ghiselli, 2023: 3-4).

دومین بعد از تقابل‌های گفتمانی آمریکا، به ضعف‌های چین به‌عنوان یک قدرت خیزش یافته بی‌تجربه بر می‌گردد. غرب آسیا به لحاظ تاریخی حوزه سستی آمریکا محسوب می‌شود و چنین حضوری منتج به یک میراث سیاسی، اقتصادی و نهادی برای این کشور شده که چین تازه وارد همچنان در آغاز راه قرار دارد. شرایط پیچیده و پویای منطقه با توجه به تنوع سیستم‌های سیاسی حاکم، نظام‌های اقتصادی مختلف، گروه‌های فرو ملی متعدد و برخی از ویژگی‌های دیگر به یک پاشنه آشیل برای چین در فعل و انفعالات منطقه تبدیل گشته و این کشور را در برابر یک آزمون بزرگ تاریخی قرار داده است و اینکه در پرتو چه چنین شرایط پیچیده و دشواری این کشور تا چه حد می‌تواند نقش خویش را به‌عنوان یک قدرت بزرگ به‌درستی انجام دهد و پایداری حضور و منافع ملی خویش را در این پهنه جغرافیایی تضمین نماید. چنین نقصانی از سوی چین به یک برگ برنده برای آمریکا در منطقه تبدیل گشته است تا با موج‌سواری بر آن خویش را تنها قدرت کارآزموده و قابل‌اعتماد منطقه معرفی نماید و مانع اتکای دولت‌های منطقه به چین شود. یکی از آزمون‌های چین به پایداری صلح میان ایران و عربستان بر می‌گردد. یک مسئله این است که آیا نزدیکی عربستان و ایران ادامه خواهد داشت و آیا چین قادر است تداوم آن را تضمین نماید؟ یا اگر اتفاقی افتد آیا چین از ابزارهای لازم جهت حل و فصل اختلافات برخوردار است؟ آیا صرف ابزارهای اقتصادی چین برای تنش‌زدایی کافی است؟ (Hale, 2023: 2-5).

بنابراین این ایده که مشکلات منطقه‌ای بدون حمایت و همکاری واشنگتن قابل حل نیست، چین را در یک وضعیت دشوار قرار داده است. به عبارت دیگر، سیاست‌گذاران خارجی چین در داخل و خارج از کشور با بسیاری از مشکلات مهم روبرو هستند و واقف هستند که مبارزه با هژمونی آمریکا در غرب آسیا یک مسیر پرخطر را می‌طلبد.

۶-۳- تهدید و اعمال فشار بر متحدان منطقه

سومین سازوکار ایالات متحده آمریکا برای مهار چین در غرب آسیا اعمال فشار بر متحدان منطقه‌ای است. در واقع آمریکا در پیوند با دولت‌های منطقه‌ای از کارت‌های متعددی بهره می‌گیرد که می‌تواند دولت‌های منطقه را در صورت عبور از خط قرمزهای واشنگتن با چالش مواجه سازد. قدرت‌های اصلی منطقه که بسیاری از آن‌ها شرکای بلندمدت آمریکا هستند، در حال پیگیری یک سری دریای آزادت مستقل هستند و برخلاف رویکرد همراهی تام با آمریکا در سال‌های اخیر، تنوع راهبردی در مواجهه با دولت‌های مختلف را در دستور کار قرار بن بست. در حالی که شرکای ایالات متحده در منطقه می‌خواهند شراکت راهبردی و چندلایه خود را با ایالات متحده حفظ کنند، آن‌ها همچنین به وضوح می‌دانند که چین هم از نظر صادرات انرژی و هم طیف گسترده‌ای از زیرساخت‌ها و هم نیازمندی به کالای چینی یک شریک تجاری است. در حالی که آن‌ها در دوره‌های قبلی با ایالات متحده موافق بودند که اتحاد جماهیر شوروی یا القاعده دشمنان راهبردی مشترک بودند، هیچ‌یک از شرکای آمریکا امروز قبول ندارند که چین نیز دشمن آن‌هاست. آن‌ها درک می‌کنند که روسیه تهدیدی برای ایالات متحده و متحدان اروپایی آن در اروپا و چین برای تایوان و متحدان آمریکا در آسیا است، اما آن‌ها به چین به عنوان تهدیدی برای غرب آسیا نمی‌نگرند (Salem, 2023: 4).

چنین رویکرد و رویه‌ای از سوی دولت‌های منطقه‌ای خلیج فارس امری بی سابقه محسوب می‌شود که منافع واشنگتن در منطقه را به شدت در معرض تهدید قرار داده است. در واقع عربستان سعودی با شیوه جدید حکمرانی و اتخاذ روندهای جدید در سیاست خارجی در حال مخابره این پیام است که عصر، عصری جدید است، غرب آسیا، غرب آسیا جدید است و عربستان، عربستان جدید است (LECC, 2022). با آگاهی از شکل‌گیری یک سری روندهای جدید و تغییر گفتمان دولت‌های خلیج فارس، آمریکا از ابزارهای مختلفی جهت بازدارندگی رفتاری دول خلیج فارس برخوردار است که می‌تواند از طریق تهدید و اعمال فشار بر این کشورها همچنان آن‌ها را وادار به

رعایت خطوط قرمز آمریکا در منطقه کند؛ که در ذیل به چند اهرم آمریکا برای تحت فشار قرار دادن متحدان منطقه اشاره می‌شود:

۱- بازگشت نیروهای نظامی آمریکا به منطقه اولین هشدار به دولت‌های منطقه تلقی می‌شود که هرگونه تغییر رفتار واکنش سخت آمریکا را به دنبال خواهد داشت.

۲- اعمال فشار در زمینه حقوق بشر مکانیزم دیگر آمریکا برای تحت فشار قرار دادن پادشاه‌های منطقه است.

۳- قطع فروش تسلیحات پیشرفته و مقابله با برنامه‌های صلح‌آمیز هسته‌ای

۴- تهدید به عدم حمایت‌های امنیتی و عدم ارائه چتر امنیتی

۵- تقویت نظامی و تسلیحاتی بیشتر اسرائیل جهت برهم زدن توازن قدرت به نفع اسرائیل و به ضرر این کشورها

۶- حمایت و تقویت گروه‌های اپوزیسیون داخلی این کشورها

۷-۳- حمایت از پروژه‌های جدید منطقه‌ای (پروژه شام جدید)

پروژه شام جدید که با محوریت سه کشور عراق، اردن و مصر در حال پیگیری است می‌توان آن را در قالب یک همگرایی منطقه‌ای جدید یا در قامت اتحادی جدید مورد ارزیابی و تفسیر قرار داد. این پروژه که قرار است بر مبنای وابستگی‌های متقابل سه کشور تشکیل دهنده آن جنبه عملیاتی پیدا نماید حمایت‌ها و مخالفت‌های زیادی را به همراه داشته است. آمریکا به عنوان یک قدرت فرا منطقه‌ای از حامیان اصلی این پروژه محسوب می‌گردد و این پروژه را به عنوان یک راهبرد جدید منطقه‌ای جهت مهار چین و تضعیف منافع ملی ایران در منطقه قلمداد می‌کند. ایالات متحده از سفر تاریخی رئیس جمهور مصر و پادشاه اردن به بغداد استقبال کرد و اظهار نمود که: این سفر گامی مهم در تقویت روابط اقتصادی و امنیتی منطقه‌ای بین مصر، عراق و اردن و پیشبرد ثبات منطقه است (Mehdi, 2024: 1-3).

ابتکار یک کمر بند یک جاده که با هزینه‌های سنگین چین در مناطق مختلف جهان در حال پیگیری است در حلقه‌های واصله خویش عراق را به عنوان یک کشور محوری برآورد می‌کند که آسیا را به اروپا متصل می‌کند. از سوی دیگر وابستگی چین به نفت عراق اهمیت این کشور را در راهبردهای منطقه‌ای چین دو برابر کرده است. لذا دور شدن عراق از چین، می‌تواند پروژه‌های ضد چینی و ضد ایرانی آمریکا را در منطقه به شدت تقویت کند و در برنامه‌های توسعه محور چین چالش‌های وافی

را پدید آورد. ایالات متحده که نقش واضحی در فشار برای تولد این اتحاد داشت در پی تقویت کارتهای خویش در مقابل چین در منطقه می باشد. چنین اتحادی همچنین می تواند تبعات منفی برای ایران در منطقه و عراق داشته باشد.

از سوی دیگر امارات متحده عربی و عربستان سعودی به عنوان متحدان آمریکا، با توجه به اینکه اتحاد عرب بین سه کشور مزبور (عراق، مصر و اردن) می تواند زمینه های کاهش نفوذ و تسلط رقبات منطقه ای چون ترکیه و ایران را به همراه داشته باشد و کارتهای امارات متحده عربی و عربستان سعودی را در رویارویی منطقه ای با آن دو تقویت کند با استقبال روبه رو گشت؛ بنابراین چین، علاوه بر تمایل برای به دست آوردن سهمی از بازسازی شهرهای عراق و زیرساخت ها و اینکه عراق در قلب ابتکار یک کمربند یک جاده قرار دارد با خسران مواجه می شود (EPC, 2020). آنچه از پروژه شام جدید می توان تفسیر و برآورد نمود آن است که مهار چین و ایران در قلب چنین پروژه ای نهفته است. عراق به عنوان یک کشور محوری در منطقه اولویت اصلی سیاست ای منطقه ای آمریکا را تشکیل می دهد زیرا عراق مرکز ثقل دریای آزادت آمریکایی محسوب می شود. حفظ عراق در دسته هم پیمانان و دور شدن این کشور از ایران و چین برگ برنده آمریکا در خلیج فارس برای مقابله با قدرت رو به تزاید چین در منطقه قلمداد می گردد.

نتیجه گیری

توسعه رو به افزون روابط اقتصادی میان کشورهای غرب آسیا و چین در ابعاد جدید و ویژه ای در حال نمایان است. دولت های حاشیه خلیج فارس به تأمین کننده اصلی انرژی مورد نیاز چین تبدیل گشته اند. در کنار روابط رو به رشد اقتصادی، ابتکار چینی در کاهش تنش ها میان ایران و عربستان، حکایت از تغییر رویه و دخیل شدن چین در امور منطقه در سطوح دیگر را آشکار می سازد. نوع روابط چین با کشورهای غرب آسیا دامنه نگرانی های واشنگتن را نسبت به تهدید منافع این کشور را افزایش داده است. لذا آمریکا با در خطر دیدن هژمونی این کشور در حوزه نفوذ سستی خویش، به سمت اتخاذ یک سری راهبردهای جدید برای مهار و مقابله با قدرت رو به تزاید چین در این منطقه است. ابتکار بازگشت نظامی در سطحی گسترده تر، مقابله گفتمانی و تبلیغاتی علیه چین، اعمال فشار بر متحدان منطقه ای و هم چنین حمایت این کشور از اتحادیه های جدید ضد چینی منطقه ای، راهبردهای

متعدد و متنوع آمریکا را در مواجهه با قدرت چین را نمایان می‌سازد و نشان می‌دهد که این کشور به هیچ وجه حاضر به پذیرش یک قدرت چالشگر در غرب آسیا نیست.

استقرار مجدد نیروها و تجهیزات نظامی در قالب سیاست بازگشت قدرتمند به غرب آسیا اولین راهبرد محدودسازی چین در منطقه از سوی آمریکا را نشان می‌دهد. میراث ماندگار آمریکا در غرب آسیا و تجربه حضور متمادی در تحولات و فعل انفعالات منطقه‌ای قدرت و اعتماد به نفس را در آمریکا پرورانده است تا با تأکید بر چنین میراثی یک تقابل گفتمانی با چین را کلید بزند. تمرکز تبلیغاتی و گفتمانی آمریکا بر غیرقابل اعتماد بودن چین و همچنین عدم تجربه کافی این کشور برای مدیریت مناقشات و پویایی‌های منطقه‌ای دستاویز دیگر آمریکا برای مهار چین را فراهم نموده است. اعمال فشار و تهدید متحدان منطقه با برخورداری از یک سری سازوکارها و کارت‌های فشار، سومین راهبرد مهار چین در غرب آسیا را تشکیل می‌دهد. آمریکا در حال مخابره این پیام است که هرگونه تهدید منافع این کشور در پرتو تعامل دولت‌های منطقه با چین با هزینه‌های گزافی برای این کشورها همراه است. حمایت و پشتیبانی از پروژه‌های جدید منطقه‌ای همچون پروژه شام جدید، یکی دیگر از اهرم‌ها و کارت‌های بازی آمریکا در پهنه جغرافیایی غرب آسیا برای مهار چین را تشکیل می‌دهد. ایجاد اتحادها و همگرایی‌های منطقه جدید در قامتی چین ستیزانه راهبرد جدید آمریکا در مهار چین را ترسیم می‌کند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع

- کشوریان آزاد، محسن و میر ترابی، سید سعید (۱۴۰۱). دولت بایدن و سیاست مهار خیزش قدرت چین در حوزه اقیانوس هند- آرام، سیاست خارجی، ۳۶ (۱)، ۵-۲۷.
- نوری، علیرضا (۱۳۹۸). مفاهیم مهار و بازدارندگی در روابط روسیه و آمریکا؛ تأثیر و پیامدها برای ایران، سیاست جهانی، ۸ (۲)، ۲۴۷-۲۹۰.
- Alenezi, D. A. (2024). US rebalance strategy to Asia and US-China rivalry in South China Sea from the perspective of the offensive realism. *Review of Economics and Political Science*, 9(2), 102-115.
- Annual Report to Congress. 2020. Military and Security Developments Involving the People's Republic of China 2020, <https://media.defense.gov/2020/Sep/01/2002488689/-1/-1/1/2020-DOD-CHINA-MILITARY-POWER-REPORT-FINAL.PDF>.
- Benabdallah, Lina & et al.(2021). China's Engagement in Africa and the Middle East, NATO Strategic Direction-South Hub, <https://thesouthernhub.org/resources/site1/General/NSD-S%20Hub%20Publications/China%27s%20Engagement%20in%20Africa%20and%20the%20Middle%20East.pdf>.
- Burton, Guy. 2021. The US and China in the Middle East: Rivals or Partners?. <https://rusi.org/explore-our-research/publications/commentary/us-and-china-middle-east-rivals-or-partners>.
- Emirates Policy Center(2020). The New Levant Project: Likely Opportunities, Challenges and Trajectories.
- Ghiselli, Andrea. (2023). China and the United States in the Middle East: Policy continuity amid changing competition January 9, 2023, Available at: <https://www.mei.edu/publications/china-and-united-states-middle-east-policy-continuity-amid-changing-competition>.
- Gurjar, Sankalp. (2021). A New Quad in the Western Indian Ocean, Rusi. <https://rusi.org/explore-our-research/publications/commentary/new-quad-western-indian-ocean>.

- Hale, Erin. (2023). Can China replace the US in the Middle East? Published On 25 Apr 2023 25 Apr 2023, Available at: <https://www.aljazeera.com/features/2023/4/25/can-china-replace-the-us-in-the-middle-east>.
- Kennan, G. F. (1946). The sources of Soviet conduct. Foreign Aff., 25, 566.
- Kaye, D. D., Robinson, L., Martini, J., Vest, N., & Rhoades, A. L. (2021). Reimagining US Strategy in the Middle East: Sustainable Partnerships, Strategic Investments. RAND CORP SANTA MONICA CA.
- Majidi, Mazda. (2023). 3,000 more U.S. troops to the Persian Gulf: New conflict coming against Iran? Available at: <https://www.liberationnews.org/3000-more-u-s-troops-to-the-persian-gulf-new-conflict-coming-against-iran/>.
- Mandelbaum, M. (2019). The new containment: handling Russia, China, and Iran. Foreign Aff., 98, 123.
- Mehdi, Zainab. (2024). What is Egypt's Sham El-Nessim holiday?, Available at: <https://www.newarab.com/features/what-egypts-sham-el-nessim-holiday>, 2024/06/06.
- Musthafa, Abd Rahman. (2023). Behind the US Military Mobilization to the Persian Gulf, Available at: <https://www.kompas.id/baca/english/2023/08/11/en-di-balik-gesekan-as-iran-di-teluk-persia>.
- Nagy, S. (2023). Drivers of US-China Strategic Competition: Understanding the Chinese Perspective. Institute for Security & Development Policy, 1-2.
- Powell, B. (2017). The Origins of George F. Kennan's Theory of Containment: Stalin's Russia and the Failure of US Foreign Policy. Rice University's History Department's Honors Senior Thesis. Available at: https://scholarship.rice.edu/bitstream/handle/1911/95204/BeckyPowell_Thesis-2017.pdf.
- Rajagopalan, Rajeswari Pillai. (2021). A Quad for the Middle East?, The Diplomat, <https://thediplomat.com/2021/10/a-quad-for-the-middle-east/>.

- Salem, Paul. (2023). Managing US-China relations in the Middle East among common and conflicting interests June 8, 2023, Available at: <https://www.mei.edu/publications/managing-us-china-relations-middle-east-among-common-and-conflicting-interests>.
- Siddiqi, Arhama. (2021). Quad 2.0: Why the US, UAE, India and Israel have joined forces, Middle East Eye, <https://www.middleeasteye.net/opinion/us-uae-israel-india-quad-20-aligned-why>.
- Şimşek Ademi, A. (2022). International Security Theories and Regional Approaches In The 21st Century.
- Soliman, Mohammed. (۲۰۲۱), An Indo-Abrahamic alliance on the rise: How India, Israel, and the UAE are creating a new transregional order, <https://www.mei.edu/publications/indo-abrahamic-alliance-rise-how-india-israel-and-uae-are-creating-new-transregional>.
- Solsman, R. (2021). China Containment in East Asia: Preventative or Provocative?.
- Suhashini, Haidar. (2021). Worldview with Suhasini Haidar | The New Quad and Iran, The Hindu, <https://www.thehindu.com/news/international/worldview-with-suhasini-haidar-the-new-quad-and-iran/article37242302.ece>.
- Stephen Tinkel, Lisa Curtis, Joshua Fitt, and Coby Goldberg.(2021). Positive Visions, Powerful Partnerships: The Keys to Competing with China in a Post-Pandemic Indo-Pacific, Center for a New American Security, <https://www.cnas.org/publications/reports/positive-visions-powerful-partnerships>.
- Teixeira, V. (2019). The United States' China Containment Strategy and the South China Sea Dispute. Central European Journal of International & Security Studies, 1.